یادداشت روز

خشتِ اوّلِ انحراف

نهادینه کردن تمایزها و تبعیض‌ها به هر اسم و دلیل و بهانه‌ای، نه مورد رضای خداســـت و نه مورد قبول مردمی که از هستی خود برای انقلاب مایه گذاشـــته و می گذارند. ماجرای مصوبه اخیر مجلس در جواز پرداخت حقوق نجومی به برخی خواص و مدیران و... نقطه تاریکی بود در کارنامه قانون‌نویسی که می توانست بدعتی ناروا و جفایی بزرگ به مردم را رقم بزند.

آنچه مردم ایران از مجلس شورای اسلامی به عنوان «راس امور» انتظار دارند، حرکت بر مدار عقلانیت و انقلابی بودن در همه ابعاد است و این وجه ممیزه است که مجلس ما را از دیگر مجالس عالم متمایز می‌کند. اینکه شأن مجلس را چه کســـی باید حفظ کند و چه کسی می تواند مرتبه آن را از راس امور به مراتبی پایین‌تر تنزل دهد، پرســـش پیچیده‌ای نیست و سال‌هاست که مردم در مثلی کوتاه می‌گویند: «ا حترام امامزاده را متولی نگه می دارد».

اما ماجرا چه بود، چه چیزی تصویب شد، چه اتفاقی افتاد که رئیس محترم مجلس منتقدین را به باد حمله گرفت و حرف‌هایشان را سخیف دانست!؟

اصل ماجرا تبعیـــض ناروایی بود که برای برخی تحت عنوان «مدیر» در نظر گرفته شـــده بود و قرار بود حقوق و مزایای ناعادلانه آنها، قانونی شود! نمایندگان مجلس، چهارشنبه گذشته، در تبصره ماده ۳۸ قانون برنامه ششم تصویب کردند: «شـــورای حقوق و دستمزد می تواند با پیشنهاد روسای قوا، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور که ریاست دستگاه‌های اجرایی را برعهده دارند و بالاترین مقام دستگاه اجرایی، برای مشاغل تخصصی، مدیریت، واحدهای عملیاتی و مناطق مرزی و محروم تا ۶۰ درصد دریافت‌های موضوع این ماده علاوه بر سقف مقرر در این ماده منظور کند.»! این یعنی قانونی شدن تبعیض ناروا برای هرکس نامی از او در این تبصره آمده، به ویژه برای«مدیران»! مردم از عصر تاریک کارگزاران با واژه «حســـاب مدیران» در دادگاه رسیدگی به اتهامات کرباســـچی آشنا شدند. نطفه بدعتی که این روزها به عنوان حقوق نجومی شناخته می‌شـــود، به روزهایی برمی‌گردد که کارگزارانی‌ها به بهانه حفظ مدیران، برای آنها حساب مدیران باز می‌کردند و با آلوده کردن آنها به زخارف دنیا، بنای کجی را گذاشتند که هنوز هم گریبان کشور را گرفته است.

پـــس از مصوبه روز چهارشـــنبه، کیهان و برخی دیگر از رســـانه‌ها و شـــخصیت‌ها، به این تبعیض ناروا اعتراض کردنـــد و اندک اندک ماجرا در شـــبکه‌های اجتماعی بالا گرفت و ... نتیجه آن شد که مجلس در نخستین روزکاری بعدی، مصوبه خود را پس گرفت!

نمی‌توان انکار کرد که این مصوبه آنقدر ناروا و ناشایست هست که جای هیچ دفاعی ندارد و جز ظلم آشکار به حقوق مردم و ولی‌نعمتان انقلاب هیچ نام دیگری بر آن نمی‌توان گذاشـــت. کدام منطق می‌پذیرد و اجازه می‌دهد حقوق یک روز یک مدیر دولتی، معادل یک ماه یک شخص دیگر باشد!؟ چه هنری دارند که مستحق این پول می‌شوند!؟ با چه متر و سنجه‌ای به توانایی و کارآمدی برخی افراد رسیده‌اند و آنها را مستحق چنین حاتم‌بخشی‌ای از بیت‌المال می‌دانند!؟ برخی در توجیه این مصوبه، آن را به جهت جلوگیری از «فرار مغزها» و نخبگان عنوان کردند! این بهانه، بی‌اختیار سخنان سخنگوی دولت را به یاد می‌آورد که غارتگران بیت‌المال را ذخیره نظام می‌نامید! بهانه برخی دیگر، عدم کوچ مدیران به بخش خصوصی بود! برخی دیگر، ایراد شورای نگهبان را بهانه کردند، برخی هم در کمال ناباوری تصویب این حقوق را برای آن دانستند که مدیری وسوسه نشده و به بیت المال دست درازی نکند! غافل از اینکه این حقوق، خود نمونه‌ای از دست‌درازی به بیت‌المال است! خلاصه برای موجه جلوه دادن این خطای بزرگ، آسمان و ریسمان ها بافته شد و با ادبیات ناشایست با منتقدان و معترضان سخن گفته شد!

اما باید قبول کرد که همه این بهانه‌ها، حرف‌هایی از جنس توجیه است و هیچ وجـــدان آگاه و دل بیداری قبول نمی‌کند که یک مدیر ۲۴ برابر یک کارمند و حدود ۳۰ برابر یک کارگر حقوق بگیرد! آن هم در روزگاری که مردم در سختی معیشت زندگی می کنند و ثمره کار همین مدیران، پیش روی مردم قرار دارد. کاش نمایندگان مجلس توضیح می‌دادند که این دسته از مدیران عزیزکرده و نورچشمی چه هنری در اداره جامعه داشته‌اند!؟ آیا تعطیلی بیش از ۶۰ درصد صنایع کشور، نتیجه هنر همین مدیران نیست!؟ آیا زیان بیش از پنج هزار میلیارد تومانی سهامداران دو بانک ملت و صادرات، نتیجه مدیریت مدیران نجومی بر این بنگاه‌های مالی نیســـت؟! آیا حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان زیان سهامداران نگون‌بخت بورس، دست‌پخت همین نخبگان عرصه مدیریت نیست!؟ آیا فروش پالایشگاه کرمانشاه به ارزش بیش از ۱۰۰۰میلیارد تومان به ثمن بخس یعنی ۱۸۰ میلیارد تومان، از آثار وجودی همین مدیران نجومی نیست!؟

این فهرست بسیار طولانی می‌شود تا آنجا که باید همه صفحات روزنامه را به آن اختصاص داد! همه این اتفاقات در پیش چشم مردم و نمایندگان مجلس اتفاق افتاده ولی برخی از نمایندگان بجای جلوگیری از این روند خطرناک-که به بی‌اعتمادی عمومی و ناراحتی مردم منجر می‌شود- تصمیم به جایزه دادن به مسببان وضع موجود گرفته‌اند! اگر منطق و انصافی در کار بود، باید برای مجازات چنین افرادی قانون تصویب می‌شـــد نه برای تشویق آنها! کاری که مورد انتظار مردم و البته تکلیف قانونی نمایندگان است. البته وقتی قانون نحوه نظارت بر رفتار نمایندگان سالها در پیچ و خم باطل و خودساخته در رفت‌وآمد باشد، خیلی انتظارات دیگر، رنگ می‌بازد و نوعی آرمان‌گرایی تلقی می‌شود!

اما این روند نامبارک، بیش از آنکه به برخورداری ناروای برخی بیانجامد، به تخریب باور عمومی و آسیب دیدن مهمترین پایگاه نظام مقدس اسلامی می‌انجامد. مردم حق دارند از کوچکترین تخلفی نگذرند چون نظام را همچون عزیزترین امور و با خون جوانان برومندشان به وجود آورده و حفظ کرده‌اند . نگرانی اصلی آنجاست که با قانونی کردن اینگونه دست‌درازی‌ها، انحرافاتی که تاریخ آثار شوم آن را به خود دیده، در اینجا هم تکرار شود.

بیست سال قبل، رهبر معظم انقلاب در خرداد ۱۳۷۵ در سخنان بسیار مهمی راز انحرافات عجیب در صدر اسلام را که به شهادت حضرت سیدالشهدا منجر شد برشمردند. در آن ســـخنرانی به نقش برجسته خواص و غفلت و دنیاگرایی و ترس آنها در بزنگاه‌ها اشـــاره و تاکید شده بود: «وقتی خواصِ طرفدارِ حق، یا اکثریت قاطعشان، در یک جامعه، چنان تغییر ماهیت می‌دهند که فقطَ دنیای خودشان برایشان اهمیت پیدا می‌کند؛ وقتی از ترس جان، از ترس تحلیل و تقلیل مال، از ترس حذف مقام و پست، از ترس منفور شدن و از ترس تنها ماندن، در مقابل باطل نمی‌ایستند و از حق طرفداری نمی‌کنند و جانشـــان را به خطر نمی‌اندازند؛ آن‌گاه در جهان اسلام فاجعه با شهادت حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام - با آن وضع - آغاز می‌شود. حکومت به بنی‌امیّه و شاخه مروان و بعد به بنی‌عبّاس و آخرش هم به سلسله سلاطین در دنیای اسلام، تا امروز می‌رسد».

اما حضرت آقا دلیل تکان دهنده‌ای درباره لغزش خواص مطرح می‌کنند که هر دلسوز و انقلابی‌ای را به فکر فرو می‌برد. ایشان راز آن انحراف را اینگونه بیان می‌کنند: «دورانِ لغزشِ خواصِ طرفدارِ حق، حدوداً هفت، هشت سال پس از رحلت پیغمبر(ص) شروع شد. به مسئله خلافت، اصلاً کار ندارم. مسئله خلافت، جدا از جریان بسیار خطرناکی است که می‌خواهم به آن بپردازم. قضایا، کمتر از یک دهه پس از رحلت پیغمبر(ص) شروع شد. ابتدا سابقه‌داران اسلام -اعم از صحابه و یاران و کســـانی که در جنگ‌های زمان پیغمبر(ص) شرکت کرده بودند - از امتیازات برخوردار شدند، که بهره‌مندی مالی بیشتر از بیت‌المال، یکی از آن امتیازات بود. چنین عنوان شـــده بود که تساوی آنها با سایرین درســـت نیست و نمی‌توان آنها را با دیگران یکسان دانست! این، خشتِ اوّل بود. حرکت‌های منجر به انحراف، این‌گونه از نقطه کمی آغاز می‌شود و سپس هر قدمی، قدم بعدی را سرعت بیشتری می‌بخشد. انحرافات، از همین نقطه شروع شد، تا به اواسط دوران عثمان رسید. در دوران خلیفه سوم، وضعیت به‌گونه‌ای شد که برجستگان صحابه پیغمبر(ص)، جزو بزرگترین سرمایه‌داران زمان خود محسوب می‌شدند! توجّه می‌کنید! یعنی همین صحابه عالی‌مقام که اسم‌هایشان معروف اســـت - طلحه، زبیر، سعدبن‌ابی‌وقّاص و غیره - این بزرگان، که هر کدام یک کتاب قطور ســـابقه افتخارات در بدر و حُنین و اُحد داشـــتند، در ردیف اول سرمایه‌داران اسلام قرار گرفتند. یکی از آنها، وقتی مُرد و طلاهای مانده از او را خواستند بین ورثه تقسیم کنند، ابتدا به صورت شمش درآوردند و سپس با تبر، بنای شکست و خرد کردن آنها را گذاشتند. مثل هیزم، که با تبر به قطعات کوچک تقسیم کنند!»

ملاحظه می‌شـــود که تبعیض، حتی درباره کسانی که جانشان سپر جان پیامبر عظیم‌الشان اســـلام بوده، چه انحراف عظیمی بوجود آورده است تا چه برســـد به نورچشمی‌های بی‌هنری که هیچ منزلت و فضیلتی ندارند جز بهره‌مندی و تمتع از بیت‌المال و قابل مقایسه با صحابه و فدائیان پیامبر(ص) نیستند.

فراموش نباید کرد نهیب امام راحل عظیم‌الشأن را که به صراحت حرف آخر را زده بود: «بودجه مملکت از جیب مردم است، شما نوکر مردم هستید، دولت‌ها خدمتگزار مردمند، لطفاً نگوئید من خدمتگزارم و عملاً تو سر مردم بزنید(!) و این اربابِ‌های بیچاره‌تان را پایمال کنید» (صحیفه نور، ج۱۵ ص ۷۶)

طبیعتا آنچه گفته شـــد، طبقه مدیران و متخصصان زحمتکش را در بر نمی‌گیرد و مردم فهیم ایران، فرق خادم و خائن را به خوبی می‌دانند و همیشه قدردان کسانی هستند که کمترین خدمتی به آنها کرده باشند.

حسین شمسیان

گزارش صندوق بین‌المللی پول:

تحریم‌های بانکی ایران پس از برجام لغو نشده است

صندوق بین‌المللی پول در گزارشـــی ویژه اعلام کرد: با گذشت یک ســـال از اجرای توافق هســـته‌ای، تحریم‌های بانکی علیه ایـــران هنوز لغو نشده است.

صنـــدوق بین‌المللـــی پول در گزارشـــی ویژه و برخلاف تبلیغات مسئولان دولت یازدهم، اعلام کرد: با گذشت یک سال از اجرای توافق هســـته‌ای، تحریم‌های بانکی علیه ایران هنوز لغو نشده است.

صنـــدوق بین‌المللـــی پول در این گـــزارش، اطلاعـــات دقیق و منتشرنشـــده از روابط بانکی ایران پـــس از تحریم‌ها را علنی کرده که نشـــان می‌دهد تبلیغات مسئولان دولـــت یازدهم تا چـــه حد خلاف واقع بوده است.

صنـــدوق در این گزارش که به تازگی منتشـــر کرده، نوشته است: با وجود اجرای توافق هســـته‌ای از ژانویه سال ۲۰۱۶، بانک‌های ایرانی با مشـــکلات متعددی برای ورود مجدد به سیستم مالی بین‌المللی مواجهند.

صندوق بین‌المللی پول اعلام کـــرده که پـــس از برجـــام هیچ بانک بـــزرگ بین‌المللـــی با ایران وارد همـــکاری نشـــده اســـت. به همیـــن دلیل مـــراودات تجاری و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ که نیازمند مشارکت بانک‌های بزرگ است، پس از برجام صورت نگرفته است.

این نهـــاد اقتصادی بین‌المللی تحت نفوذ آمریکا در گزارش خود تاکید کرده اســـت: بـــه رغم رفع تحریم‌های هســـته‌ای بـــا اجرای برجـــام، چالش‌های اصلی که مانع اتصال مجـــدد بانک‌های ایرانی به بانکداری جهانی اســـت، همچنان باقی مانده است.

صندوق بین‌المللی پول، در ادامه گزارش خود، انتقـــادات منتقدان داخلی برجـــام درباره ایرادات متن این توافق را تایید کرده و نوشـــته است: باقی ماندن تحریم‌های آمریکا علیه ایران خصوصا ادامه ممنوعیت سیســـتم یوترن U-Turn برای ایران، یکی از مهم‌ترین دلایل عدم لغو تحریم‌های بانکی ایران پس از برجام بوده است زیرا هر شرکت و بانکی که بـــا آمریکا روابط تجاری داشته باشـــد، از برقراری مراودات بانکی و تجاری با ایران هراس دارد.

صنـــدوق بین‌المللی پول ادامه داده که ادامه تحریم ایران در استفاده از مبادلات دلاری، چالش بســـیار بزرگی برای بانک‌های غیرآمریکایی در برقـــراری تراکنش‌های مالی با ایران ایجاد کرده است.

صندوق بین‌المللی پول تصریح کرده که هم‌اکنون حتی شـــرکای تجاری اصلی ایران مثل کشورهای هند، کره جنوبی و عمان هم که با ایران مـــراودات تجاری غیردلاری دارند، به علت مشکلات موجود بر ســـر تبدیل ارزها بدون استفاده از دلار، با مشکل مواجهند.

صنـــدوق بین‌المللـــی پول به مشـــکل دیگر متن برجام اشـــاره کرده و آورده اســـت: وجود لیست تحریمی موســـوم به Specially Designated Nationals SDN در برجـــام، مانع مهم دیگر در روابط اقتصـــادی ایران پس از برجام بوده است. زیرا هیچ شرکت و نهـــاد غیرآمریکایـــی حق رابطه تجاری با این شرکت‌ها ندارند. ضمن این که حتی اگر شرکتی از لیست SDN خارج شـــود، به علت تداوم تحریم‌های آمریـــکا علیه ایران به بهانه‌های برنامه تسلیحاتی و حقوق بشر، شرکت‌های خارجی در روابط تجاری با این شـــرکت‌ها به مشکل خواهند خورد.

به گـــزارش مشـــرق، صندوق بین‌المللی پول دیگر مانع عدم لغو تحریم‌ها را مکانیسم ماشه در متن برجام دانســـته و اعلام کرده است: بانک‌هـــای غیرآمریکایی از ترس بازگشت تحریم‌ها با اجرای مکانیسم ماشه، در برقراری تراکنش با ایران احتراز دارند، زیرا بســـیاری از آنها بابت نقض تحریم ایران، جریمه‌های کلانی پرداخت کرده‌اند.

لازم به ذکر اســـت موانع فوق فقط شامل موانعی است که صندوق بین‌المللی پول آنها را مربوط به متن برجام دانســـته اســـت. با این حال در این گـــزارش، موانع دیگری نیز برشمرده شده است: مثل تحریم‌های جدید آمریکا علیه شرکت‌های ایرانی پس از برجام، کارشکنی آمریکا در لغو تحریم‌ها طبق برجام و پیچیده شدن روابط بانکی با ایران به علت دشـــواری تشـــخیص این که کدام تراکنش با شرکت‌های ایرانی، شامل حال تحریم‌های باقی‌مانده می‌شود و کدام یک نمی‌شود.

اندیشکده کاتو:

آمریکا باید با نمایش مزایای تعامل، میانه‌روها را در ایران تقویت کند

در بخش مربوط به ایران در کتابچه راهنمای اندیشکده کاتـــو آمده اســـت: آمریکا می‌تواند از طریق نمایش این امر که «مزایای ایران از تعامل بیش از تقابل است»، مقامات متعادل‌تر ایـــران را تقویت نماید.

به گزارش فارس، اندیشـــکده کاتو اقدام بـــه تهیه یک کتابچه راهنمـــا بـــرای سیاســـتمداران آمریکایی کرده اســـت که یکی از بخش‌های آن مربـــوط به ایران اســـت. در «بخش ایران» کتابچه مزبـــور توصیه‌هایی بـــه مقامات دولت جدید آمریکا ارائه شـــده تا رویکرد واشنگتن در قبال تهران، بـــه تامین منافع ایالات متحده و کنترل و خنثی‌سازی نفوذ ایران منتهی گردد.

در ایـــن بخش آمده اســـت: سیاســـتمداران باید با تمرکز بر مفاد کلیدی معاملـــه، از اجرای آن اطمینان حاصل کرده و درک کنند که استراتژی فشار موفقیت چندانـــی در بازداشـــتن ایران از حمایت سازمان‌های نظامی شیعی در سراســـر خاورمیانه نداشـــته است. این سیاستمداران در عوض باید در پی تعامل پایدار با ایران، افزایش اعتمـــاد و ایجاد راه‌حل برای مصالحه در بحران‌های جاری خاورمیانه باشند.

برجـــام با تمامـــی نقایصش نه تنهـــا بهترین فرصـــت برای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران اســـت بلکه فرصتی برای ایجاد تعامل نیز به شمار می‌آید؛ تعاملی کـــه اعتمادآفرینی کنـــد، روابط ایران و آمریکا را بهبود بخشـــد. اینکـــه توافق مذکـــور در برخی جوانـــب نواقصـــی دارد، غیرقابل انکار است. برجام علی‌رغم اعمال محدودیت در ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران، اجازه انجام تحقیقات مستمر و توسعه فناوری غنی‌سازی در سانتریفیوژ گازی را به این کشور داده است.

بااین حال، چنین نگرانی‌هایی نباید سیاســـتمداران آمریکایی را وادار کنـــد فورا یا توافق را لغو و یـــا آن را مـــورد مذاکره مجدد قرار دهند.

ایالات متحده با انکار برجام، محدودیت‌های شـــدید بر برنامه هســـته‌ای ایـــران را در ازای تحریم‌هـــای یک‌جانبـــه و بی‌اثر از دســـت خواهـــد داد؛ از جمله ایـــن محدودیت‌ها می‌تـــوان به یکی از بی‌ســـابقه‌ترین نظام‌های تائید و بازرســـی سرزده در طول تاریخ اشـــاره کـــرد. حتی تلاش بـــرای مذاکره مجـــدد برجام نیز غیرعقلانی اســـت. نه ایران و نه متحدان اروپایی آمریکا نیز تمایل چندانی به انجام این کار ندارند. علاوه بر این، تلاش برای مذاکره مجدد برجام اعتماد ایران به آمریکا به‌عنوان یکی از طرفین گفت‌وگو را کاهش می‌دهد. چنانچه تهران به این نتیجه برسد که واشنگتن برای پذیرش و رعایت توافق قابل اعتماد نیســـت، احتمال کمتری وجود دارد که مقامات ایرانی در پی راه‌حلی برای موضوعات مهم دوطرف ماننـــد جنگ داخلی در سوریه باشند.

در عـــوض، سیاســـتگذاران آمریکایـــی بایـــد بـــر حصـــول اطمینان از اجرای برجام و انجام مذاکره نهایی بـــه منظور تمدید محدودیت‌های آن در بخش تولید مواد شـــکاف‌پذیر متمرکز شوند. ایران و ایـــالات متحده با اجرای تعهدات خود طبـــق این توافق، می‌توانند به طور بالقوه اعتمادی متقابل ایجاد کرده و بی‌اعتمادی موجـــود در روابط بیـــش از ۳۵ ســـال گذشته خود را پاک کنند. چنین اعتمادی می‌تواند اســـاس مشارکت‌های آتی در بسیاری از مسائل باشد.

بـــا این حال، دلایـــل اندکی وجود دارد که بتوان با استناد به آن معتقد بود که فشار بر ایران از این طریق موجب پیشبرد منافع آمریکا می‌شود. اولین و مهم‌ترین آن اینکـــه، بعیـــد اســـت اعمال تحریم‌هـــای جدید تهـــران را از حمایتش از گروه‌های شبه‌نظامی منصرف کند.

علاوه بـــر این، ایـــران قطعا می‌تواند تحریم‌هـــای اقتصادی جدید را به‌عنـــوان مدرکی برای بدعهدی آمریکایی‌ها تفسیر کند. از آنجا که شرکت بانکی چندملیتی «بی.ان.پی پاریباس» جریمه‌ای ۹ میلیاردی را در ســـال ۲۰۱۴ به دلیل فـــرار از تحریم‌ها پرداخت کـــرده، شـــرکت‌های خارجـــی تمایل چندانی به مشـــارکت در فعالیت‌هایـــی ندارند که احتمال نقـــض ناخواســـته تحریم‌هـــای ثانویـــه در آن وجـــود داشـــته و مجـــازات آمریـــکا را در پی دارد. با محدودسازی سودی که ایران می‌تواند از این سرمایه‌گذاری پس از برجام بدست آورد، تحریم‌های باقیمانـــده آمریکا علیـــه تهران احتمالا نفـــوذ تندروهای ایرانی (که غالبا مخالف برجام هستند) در داخـــل دولت این کشـــور را افزایش می‌دهد.

آمریـــکا می‌توانـــد از طریق نمایش این امر که «مزایای ایران از تعامل بیش از تقابل اســـت»، مقامات متعادل‌تر ایران از جمله رئیس‌جمهـــور روحانی را تقویت نماید. مقامـــات ایران و آمریکا با مشارکت در مذاکرات مستمر در مورد برخی مسائل می توانند به تدریج اعتماد و احترام متقابل را افزایش دهند. فرایند مذاکرات به خودی خـــود می‌تواند زمینه‌ای برای سازش‌های آتی فراهم نماید.

خبر ویژه

مردم محروم و کارنامه دولت بزرگ‌ترین رقبای روحانی در انتخاباتند

متن گفت‌وگوی عبدالله نوری و خبرنگار روزنامه شـــرق، از تشـــدید نگرانی افراطیون درباره بی‌اعتنایی به معیشت مردم و اثر آن در انتخابات حکایت می‌کند.

نوری در این مصاحبه اذعان می‌کند «آنچه در شرایط کنونی به اعتدال معنا می‌دهد، بیشتر همان جنبه سلبی آن است». پیداست که رویکرد سلبی هر چند هیجانی تولید کند اما در ادامه در حوزه حرف و برنامه و کارنامه داشتن به مشکل برمی‌خورد. درســـت به همین دلیل اســـت که خبرنگار شرق در لابلای مصاحبه، اعتراض می‌کند و می‌گوید «شـــما در پاســـخ به سؤال قبلی گفتید آنچه که باید بیشتر به آن پرداخت همان جهات سلبی است نه اثباتی. این وجه سلبی، تا یک جایی جواب می‌دهد».

نوری هم در پاسخ می‌گوید «آقای روحانی باید ملموس‌تر از گذشته به برجام بپردازد».

وزیـــر کشـــور دولت اصلاحـــات در ادامه با این ســـؤال مواجه می‌شـــود که «اصلاح‌طلبان در ســـال‌های گذشـــته تا حدودی از طبقات فرودست مردم فاصله گرفتند و این فاصله باید جبران شـــود. براین اساس اولویت امروز، معیشت مردم است» و در پاسخ می‌گوید: تکیه کلام همیشگی من این بوده که ارتباط اصلاح‌طلبان با اقشـــار مردم ضعیف است. اگر معنی اصلاح‌طلبی این باشد که فقط دنبال چند مقوله خاص، مانند آزادی بیان و مطبوعات و تجمعات و احزاب باشیم که البته در جای خود بســـیار بااهمیت هستند و به مسائل حاد زندگی روزمره آنها دقت لازم و کافی را نداشـــته باشیم این خود ظلم به جریان اصلاح‌طلبی است. اصلاح‌طلبی باید جامع باشد... .

مجدداً خبرنگار می‌پرسد«برای اینکه رشته بحث گم نشود، فکر می‌کنید جریان اعتدالی به همراه جریان اصلاح‌طلب برای درک طبقه فرودســـت و محکم کردن ارتبـــاط با بدنه مردم، چـــه کاری می‌تواند انجام دهد؟ آیا دراین‌باره بحثی صورت گرفته و به راهکاری رســـیده‌اید؟». نوری می‌گوید: من نمی‌خواهم عملکرد مثبت دولت را نفی کنم که در راس آن برجام است. برجام آثار بسیار مثبتی برای کشور داشته است. در عین حال فکر می‌کنم آنچه باید بیشتر به آن پرداخت، همان جهات سلبی است نه اثباتی[!!] چرا که فکر می‌کنم در جهات اثباتی می‌توانستیم کارهای مثبت بیشتری انجام دهیم و رابطه بهتری با مردم داشته باشیم.

نـــوری در عین حال درباره چالش‌های پیش روی روحانی در انتخابات گفت: به نظر من آقای روحانی با چالش‌های زیادی روبه‌رو است. اولین چالش، شعارهای پوپولیستی است که به احتمال زیاد طرح خواهد شد و از تاثیر آن هم نباید گذشت. ممکن است با کاندیداهایی مواجه شویم که به شدت با مجموعه‌ای از صحبت‌های درست و غلط و با ادبیاتی تخریبی و پوپولیستی علیه وضع موجود حرف بزنند و چنانچه آقای روحانی مدافع وضع موجود باشد، با چالش جدی مواجه خواهد شد.

وی افزود: یکی دیگر از مشـــکلات پیش روی آقای روحانی، اقشـــار محروم و نقاط محروم و نقاط حاشیه‌ای است. حاشیه‌نشین‌ها و مناطق محروم کشور ممکن است این احســـاس را داشته باشند که برای رفع مشکلات گوناگون آنها اقدامات جدی و ملموس نشده است و به نوعی به ذهن آنها تبعیض القاء شده باشد. یکی دیگر از مشـــکلات پیش روی آقای روحانی موضوع برجام است. با دستاوردی که ســـند افتخار دولت آقای روحانی است، به گونه‌ای برخورد شده که گویی نه تنها هیچ اتفاقی نیفتاده اســـت، بلکه برخـــی تلاش می‌کنند آن را تبدیل به لکه ننگ دولت روحانی کنند.

وی خاطرنشان کرد: مسئله دیگری که باید به آن توجه کرد، عملکرد کاندیدای ریاست‌جمهوری است؛ به عبارت دیگر، سرسخت‌ترین رقیب انتخاباتی هر کاندیدایی، عملکرد خود اوســـت. اینکه رئیس‌جمهور تا چه حدی خودش را با مسائل درگیر کرده و در جریان عینی و ملموس امور بوده است؟ اینکه آقای روحانی کاندیدای جریان اصلاحات باشد. دلیلی بر این نیست که رأی تضمین شده وجود دارد. آقای روحانی و حلقه مشـــورتی و برنامه‌ریزی ایشان، باید پاسخگوی منتقدان باشند و به نظرات آنها توجه جدی داشـــته باشـــند به هر حال، برخی از کارشناسان خبره و تیم‌های اقتصادی و اجرایی نســـبت به توان و کارایی نیروهای ســـتادی و حلقه مشـــورتی رئیس‌جمهور انتقاد دارند و توقع این بوده و هست که در پاسخ به این انتقادات، ســـخنان و دلایلی متقن و منطقی بیان شود و نیروهایی که در کارهای ســـتادی و برنامه‌ریزی ضعیف هســـتند، از دولت کنار گذاشته شوند. کار دولت و مســـئولیت اجرایی و اقتصادی، ایجاب می‌کند برخی از تعارفات و رودربایستی‌ها کنار گذاشته شـــود. در واقع باید گفت این مسائل برای کسی که می‌خواهد رأی بدهد، خیلی مهم است.

یادآور می‌شـــود عبـــدالله نوری خود یکـــی از عناصر اصلـــی افراطی‌گری و سیاســـت‌بازی در دوره اصلاحات با بی‌اعتنایی به مشـــکلات مردم بود و هنگامی که وی برای سرنوشت دولت مدعی اعتدال اظهار نگرانی می‌کند، حاکی از شدت وخامت اوضاع اســـت؛ هر چند که باز هم بر وجه سلبی (بخوانید دو قطبی‌سازی کاذب) اصرار دارد.

خُلق روزنامه‌های اشرافی از لغو حقوق ۲۴ میلیونی تنگ شد

عقب‌نشینی مجلس از مصوبه حقوق ۲۴ میلیونی برای مدیران و بازگشت به سقف ۱۲ میلیون تومان با دو رویکرد متفاوت در میان مطبوعات مواجه شد.

طیفی از مطبوعات از اصل عقب‌نشینی مجلس (در زمینه قانونی کردن حقوق‌های نجومی) استقبال کردند اما طیفی دیگر که غالبا از مطبوعات اجاره‌ای و وابسته به مدیریت اشرافی محسوب می‌شوند، اصطلاحاً خبر را خوردند و یا اصل این خبر را منتشر نکردند یا در تیترهای صفحه اول خود، ضمن سانسور لغو مصوبه حقوق ۲۴ میلیون تومانی، حواشی آن را عمدتا با سنگر کردن پشت رئیس مجلس برجسته کردند.

این رویکرد از آن جهت جالب توجه است که دبیرکل حزب کارگزاران سال گذشته در مصاحبه با یکی از همین نشریات زنجیره‌ای، ضمن نام بردن از علی لاریجانی و برخی افراد دیگر، بر لزوم «سربازگیری» و «یارگیری» از میان اصولگرایان تاکید کرده بود.

تیتـــر روزنامه‌هایی که اصل خبر مجلس را به عنوان یک رویداد مهم و مورد توجه مردم برجسته کردند، این‌گونه است:

- وطن امروز: عقب‌نشینی مجلس (با شدت گرفتن اعتراضات رسانه‌ها و افکار عمومی، مجلس مصوبه خود درباره حقوق ۲۴ میلیونی مدیران را پس گرفت)
- جوان: عقب‌نشینی مجلس از حقوق‌های نجومی به رغم بگم بگم‌ها
- رسالت: چرا دولت پاسخگوی حقوق‌های نجومی مدیران نیست
- صبح نو: عقب‌نشینی (مجلس با حقوق ۲۴ میلیونی مدیران خداحافظی کرد)
- همشهری: عقب‌نشینی مجلس از حقوق ۲۴ میلیونی مدیران
- جام جم: همان ۱۲ میلیون و ۶۰۰ (مجلس، مصوبه افزایش سقف حقوق مدیران را حذف کرد)
- قدس: عقب‌نشـــینی مجلس از مصوبه حقوق‌های نجومی (فشـــار افکار عمومی و رسانه‌ها جواب داد)
- اطلاعات: سقف حقوق ۱۲میلیون و ۶۰۰ هزار تومان تعیین شد
- جمهوری اسلامی: نمایندگان مجلس، مصوبه حقوق مدیران را اصلاح کردند

اما برخی مطبوعات که عمدتا در طیف مطبوعات اجاره‌ای و اشرافی قرار دارند، ضمن سانسور اقدام اصلاحی نمایندگان، تیترهایی از این قبیل را برجسته کردند:

- هفت صبح: خشم علی لاریجانی (جنجال تعیین سقف حقوق مدیران در نهایت به سخنان خشمگینانه رئیس مجلس خطاب به بخشی از اصولگرایان ختم شد)
- بهار: پاسخ تند لاریجانی به دلواپسان؛ برای مردم جانماز آب نکشید
- قانون: دفاع تمام قد رئیس مجلس از مصوبه تعیین سقف حقوق مدیران؛ جانماز آب نکشید
- آرمان: واکنش لاریجانی به هجمه‌های یک جناح خاص؛ جانماز آب نکشید
- اعتماد: واکنش تند لاریجانی به انتقادهای سیاسی اصولگرایان درباره تعیین سقف حقوق مدیران (دروغ نگویید و جانماز آب نکشید)
- شهروند: لاریجانی؛ جانماز آب نکشید
- آفتاب یزد: خشـــم لاریجانی از شوی تبلیغاتی در مورد افزایش حقوق مدیران تا سقف ۲۴ میلیون
- شرق: پاسخ لاریجانی به منتقدان؛ آقایان آن قدر جانماز آب نکشید
- وقایع اتفاقیه: واکنش لاریجانی به انتقاد اصولگرایان از تعیین ســـقف حقوق ۲۴ میلیونی برای مدیران؛ جانماز آب نکشید
- ایران: رئیس مجلس خطاب به حاشیه‌سازان درباره حقوق مدیران؛ جانماز آب نکشید

یادآور می‌شود مجادله سیاسی آقای لاریجانی با برخی از اصولگرایان، نمی‌تواند پاسخی به مطالبه مردم و رهبر معظم انقلاب در زمینه مقابله با حقوق‌های نامشروع مدیران باشد؛ ضمن اینکه در مسیر ساماندهی حقوق‌های مدیران، دلیلی ندارد که سقفی معادل ۳۰ برابر دریافتی یک حقوق‌بگیر عادی دولت برای یک مدیر تعیین شود. از این جهت هیچ توجیهی ندارد که رئیس مجلس یا نمایندگان قربانی زیاده‌خواهی برخی مدیران شوند.

حال برجام خوب است ... اما تو باور نکن!

معاون وزیرخارجه می‌گوید در حال حاضر، ۸۰ میلیارد دلار قرارداد در حال مذاکره اســـت و معطلی آن نیز به این خاطر است که روی IPC (قراردادهای جدید نفتی) باید اجماع ملی صورت بگیرد.

سیدعباس عراقچی در کنفرانس برجام و اقتصاد مقاومتی گفت: برجام کاری را که باید انجام می‌داد، و موانع و مین‌گذاری‌هایی را که بر ســـر راه اقتصاد کشـــور بود، پاکسازی کرد و اجازه داد اقتصاد پیشروی داشته باشد.

او افزود: در حال حاضر برجام تمام موانعی را که باید برمی‌داشـــت، از ســـر راه برداشـــته و کسی نمی‌تواند خلاف این را ادعا کند اما ما نیز مدعی هستیم که موانع غیربرجامی وجود ندارد.

معاون وزیر امور خارجه با اشاره به اینکه یکی از بهترین وزارتخانه‌هایی که از فرصت پســـابرجام استفاده کرد وزارت نفت بود، اظهار داشت: اینکه در عرض یک سال میزان تولید و صادرات نفت را به حالت قبل باز گرداندیم، شاهکار بود.

او ادامه داد: در حال حاضر هشتاد میلیارد دلار قرارداد در حال مذاکره است و معطلی آن نیز به این خاطر است که روی آی.پی.سی باید اجماع ملی صورت گیرد.

عراقچی یادآور شد: به اعتقاد من برجام حالش خوب است. به رغم برخی دعواها که می‌دانیم منظورشان چیز دیگری است، برجام اوضاعش خوب است.

درباره این ســـخنان باید گفت: اولا ۱۳ ماه پس از اجرای برجام، وعده درمانی مبنی بر اینکه فلان میزان قرارداد ممکن است در آینده منعقد شود، خیال‌اندیشی محض اســـت. واقعیت این است که از حدود ۱۶۰ هیئتی که به ویژه در چند ماهه آغاز اجرای برجام آمدند و رفتند، تقریبا هیچ چیزی عاید کشور نشد؛ مگر افزایش واردات اقلام مصرفی. اما انتقال سرمایه و فناوری تقریبا صفر بوده است. به عبارت دیگر رقم دهان پرکن ۸۰ میلیارد دلار هیچ ما به ازای خارجی ندارد.

ثانیا طرح قراردادهای نفتی حاوی ده‌ها اشـــکال اساسی و متضمن حراج مفت منافع ملی بود همچنان که با اعتراض کارشناســـان و صاحب‌نظران، فقط به گفته وزیر نفت، ۱۵۰ ایراد فنی در آن پیدا شد؛ هر چند که برخی ایرادهای اساسی سر جای خود باقی است.

ثالثا مسئله اصلی اجماع داخلی نیست؛ بلکه فشار آمریکا به شرکت‌ها و بانک‌های خارجی است که دقیقا نقض صریح برجام است اما متولیان امر در وزارت خارجه - به اعتب